

سخن آغازین

اندر لزوم تحوّل در رشته

در سخن آغازین شماره ۱۲ این نشریه ضمن اشاره مختصری که به تحولات سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ شد، و توضیحی که درباره ضرورتها و دلایل تغییر نام رشته داده شد، گفته شد که آن تغییرات و رخدادها، «پایان یک ماجرا نیست، بلکه نقطه آغاز و نشان سنگ بنای محکمی است برای تحولات آینده.» همچنین، گفته شد که این تغییر و نام جدید، نقش تعیین کننده و موثری در مسیر پیش روی رشته دارد. از این پس چاره‌ای جز حرکت و رشد و همپایی با تحولات نوین نیست. حرکت و رشدی در همه ابعاد و زوایا در گستره‌هایی به وسعت «اطلاعات» و «دانش» با همه‌ی تمامیت و کلیتی که دارند.

اکنون، چندصباحی پس از وقوع آن تحولات و تغییرات، شاهد این هستیم که در میان اهل نظر، به حق، زمزمه لزوم تحوّل در رشته آغاز شده است. می‌توان دید که انتظار این است که باید اتفاقی بیفتد. رویدادی که حاصل آن شرایطی است که شرایط کنونی نیست. البته نشانه‌های این ضرورت، نه تنها در میان اهل نظر و پیش کسوتان دیده و شنیده می‌شود، بلکه در قشر جوان و کسانی که در این رشته در میدان عمل هستند نیز به بیانی مکتوم فریاد می‌شود. فناوری‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی نیز این بیان و فریاد را رسا تر می‌کنند. به عنوان مثال، شاید خوانندگان گرامی در جریان باشند که اخیراً به همت چند نفر از جوانان علاقمند خوش فکر و پر شور این رشته، با استفاده از امکانات یکی از شبکه‌های اجتماعی، گروهی دایر شده است به نام *کتابدار ۲.۰ (Librarian 2.0)*. همانطور که از نام گروه پیداست، این گروه به دنبال پرکردن خلاء بین فضای سنتی و فضای نوین، و بهره برداری از امکانات نوین است تا به قول خودشان در جهان نوین و آینده باز هم بتوانند «کتابدار» باقی بمانند و رسالت خود را انجام دهند. در فضای این گروه چیزی که مبادله می‌شود عموماً دانسته‌ها و اطلاعاتی است که همگی به روشها و فنون نوین اطلاع‌رسانی و ارتباطات مربوط می‌شود. علت اشاره به این گروه این است که آن را می‌توان نمونه‌ای از وجود ضرورتی دانست که در درون جامعه جوانه زده و چه برنامه‌ریزان و نظریه پردازان بخواهند و چه نخواهند، راه خودش را پیدا می‌کند و رشد می‌کند.

قطعاً همگی شاهد این بوده‌ایم که در جامعه هرگاه افراد نیازی را احساس کنند، خودشان راهی برای رفع آن نیاز پیدا می‌کنند. مثلاً، به احتمال زیاد در چمنزارهای فضاهای سبز شهری خیلی وقت‌ها دیده می‌شود که بجز مسیرهای سنگفرش یا سیمان‌کاری شده، به مرور ردی از تردد شکل می‌گیرد. راهی که در واقع عابران خود به وجود می‌آورند، و معمولاً کوتاهترین راه برای رسیدن از نقطه‌ای به نقطه دیگر است. وجود این مسیر عابرساخته گویای این است که طراحان فضای سبز در واقع برای عابران می‌بایست چنین مسیری را پیش بینی می‌کردند و نه مسیرهای دورتر و پر پیچ و خمی را که معمولاً از پیمودن آنها رضایت ندارند.

نکته قابل توجه و بسیار مهمی که در چنین مثالهایی دیده می‌شود، تشخیص جامعه به تغییر یا اصلاح است؛ و اگر در مواردی که فنی و علمی هستند خوب دقت کنیم، می‌بینیم که حرکت‌هایی از نوع کتابد/ر۲ درست در راستای یک حرکت عمومی است که جامعه بشری دارد. این واقعیت گویای این است که مردمی که در این گوشه از جهان حضور دارند بخشی از جامعه بشری هستند که نیازها و سمت و سوی خود را با تحولات علمی همگام می‌کنند.

تردیدی نیست که اگر دست اندرکاران جامعه نیز همانند شهروندان عادی به موقع این ضرورت‌ها را دریابند و برایش فکری بکنند، خواهند توانست با سرعت بیشتر و به شکل سازمان یافته‌تر و اصولی‌تری در پاسخ به آنها دست به ابتکار زده و زمینه‌های رشد جامعه را در ابعاد و مسیری که ضرورتها نشان می‌دهد فراهم کنند.

من اگر برنامه ریزم، در بعد برنامه‌ریزی آموزشی و تهیه سرفصل‌های لازم، اگر در عرصه عمل هستم و مثلاً در حوزه نرم افزار یا سخت افزار هستم، با فراهم کردن زیرساخت‌ها و ابزارهای لازم و نوین برای رفع نیاز، و اگر پژوهشگر هستم، در بعد نظری به این ضرورت‌ها بپردازم و اصول فکری و چارچوب‌های نظری را پیروانم. اگر چنین باشد، بی‌تردید از بسیاری از دوباره کاریها و آزمون و خطاهایی که بسیاری از سرمایه‌های انسانی و مالی و اقتصادی را هدر می‌دهد جلوگیری خواهد شد.

اکنون اگر باز گردیم به نکته اصلی، لازم است که این پیام داده شود که نشانه‌ها گویای این است که زمان، زمان تحول است و برای رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی و محتوا و ابزارها و روشها و حرکت آن به سوی آینده باید فکری کرد و طرحی نو درانداخت. در همین‌جا از همه استادان ارجمند و صاحب‌نظران و همکاران گرامی به ویژه آنان که مسئولیتی به عهده دارند و دست

اندرکار و تصمیم ساز و تصمیم گیر هستند دعوت می‌کنم هرکس به سهم خود به نیازها و ضرورت‌هایی که به چشم می‌آید بها بدهد و با دیدی مسئولانه به آنها بنگرد و در هر جا که هست، در این میدان وارد شود و سهم خود را در پیشبرد این جامعه به سمت و سوی که رشد و اعتلای جهانی ایجاب می‌کند ادا کند.

بی‌تردید این جامعه آگاه و فرهیخته و باهوش و صبور شایستگی آن را دارد که پا به پای جامعه جهانی، و بلکه در جایگاهی رفیع‌تر، در مسیر رشد و تعالی که به بیان دیگر همان سیر الی الله است، حرکت نماید. پس بیایید دست به دست هم در این تعالی کوشا باشیم.

عبدالحسین فرج پهلوی

سردبیر